

ورسائل خویش گردد \* لهذا ما برهان عقلی بیان کنیم تا از برای  
 نفسی مجال انکار نماند \* و عليك البهاء الابهی ﴿ ع ع ﴾  
 ﴿ نیویورک - ماستر رسلینک بر ستره وود ﴾

## مَعَالِيقُ الْمَلَكُوتِ

ای مفتون حقیقت و منجذب ملکوت الله نامه مفصل رسید  
 و از تلاوتش نهایت سرور حاصل کردید زیرا دلیل جلیل بر علو  
 همت و سمو نیت بود که الحمد لله خیر خواه عالم انسانی و منجذب  
 ملکوت بهائی و مفتون ترقی عالم بشری هستی \* امید وارم که  
 بسبب این افکار عالیه و انجذابات وجدانیه و بشارات ملکوتیه  
 چنان روشن گردی که پیر تو محبت الله بر اعصار و قزون بتابی  
 مرقوم نموده بودی که شاگرد مدرسه ترقی روحانی هستی  
 خوشحال تو \* اگر مدارس ترقی ب مدرسه کلیه ملکوت متبهی  
 گردد علوم و معارفی حاصل شود که انسان لوح منشور امکان را  
 نامتناهی بیند \* و جمیع کائنات را حروف و کلمات مشاهده کند  
 و درس مقامات معنوی خواند \* آیات توحید در ذرات کائنات  
 بیند و نداء رب الملکوت بشنود و تأییدات روح القدس مشاهده  
 نماید و چنان وجد و طرب یابد که در عرصه وسیع امکان نکنجد  
 آهنگ ملکوت کند و بجهان لاهوت شتابد \* هر مرغی چون

پرویند در زمین استقرار نیابد باوج اعلی پرواز نماید مگر  
 مرغانی پابسته و یابال و پر شکسته و یا الوده بآب و گل نموده  
 ای حقیقت جو \* جهان ملکوت یکیست نهایت آنست که  
 بهار تجدد نماید و در کائنات حرکت و جنبشی جدید و عظیم بنماید  
 کوه و دشت زنده شود در ختانی تر و تازه گردد و برک و شکوفه  
 و ثمر بطراوتی بی اندازه جلوه نماید \* لهذا ظهورات سابقه  
 با ظهورات لاحقہ نهایت ارتباط دارد بلکه عین یکدیگرند  
 اما کون که ترقی نماید شعاع شدید تر است \* و فیض عظیم تر  
 و افتاب در دائره نصف نهار جلوه نماید \*

ای طالب ملکوت هر ظهوری جان عالم است و طیب حاذق  
 هر دردمند \* عالم بشر مریض است آن طیب حاذق علاج مفید  
 دارد و بتعالیم و وصایا و نصائحی قیام نماید که درمان هر درد است  
 و مرهم هر زخم \* البته طیب دانا احتیاجات مریض را در هر  
 موسمی کشف نماید و بمعالجه پردازد \* لهذا تعالیم جمال ابهی را  
 تطبیق بلوازم و احتیاجات زمانه ما \* ملاحظه مینمائی که جسم مریض  
 جهان را علاج برء الساعه است بل دریاق شفای ابدیست و معالجه  
 اطبای حاذق سلف و خالف نوع واحد نیست بلکه بمقتضای  
 مرض مریض است \* هر چند علاج تغیر و تبدیل یابد ولی کل  
 بجهت صحت مریض است \* در ظهورات سابقه جسم علیل عالم  
 تحمل علاج قوی فائق نداشت اینست که حضرت مسیح فرمود

امور بسیار است که لازم است بیان شود و لکن حال شما  
 نتوانید استماع نمود \* و لکن چون آن روح تسلی دهنده که پدر  
 میفرستد بیاید حقیقت را از برای شما بیان کند \* لهذا در این  
 عصر انوار تعلیم خصوصی عمومی گردید و رحمت پروردگار شرف  
 و غرب را احاطه نماید \* وحدت عالم انسانی جلوه کند و نورانیت  
 حقیقت جهان و جدان را منور نماید \*

نزول اورشلیم تازه شریعی است آسمانی و کافل سعادت عالم  
 انسانی و جلوه نورانیت عالم الهی \* عمانوئیل فی الحقیقه مبشر  
 بر جوع ثانی حضرت مسیح بود و منادی طریق ملکوت

این معلوم است که حرف عضوی از اعضای کلمه است \* این  
 عضویت عبارت از استفاضه است \* یعنی این حرف مستفیض

از کلمه است و ارتباط روحانی بکلمه دارد و جزء او محسوب میشود  
 حواریون بمنزله حروف بودند و حضرت مسیح جوهر کلمه و معانی

کلمه که فیض ابدیست بر توی بر انحروف افکند بود \* و چون  
 حرف عضوی از اعضای کلمه است لهذا معنی مطابق کلمه است

امید داریم که آنچه جناب عمانوئیل بشارت داده امروز تو بان  
 قیام نمائی و یقین بدان که موفق میشوی \* زیرا تأییدات روح

القدس پیاپی میرسد و قوت کلمه چنان نفوذ کند که حرف آئینه  
 مجلای آفتاب کلمه شود و فیض و انوار کلمه جهان را روشن نماید

و اما اورشلیم آسمانی که در قطب امکان استقرار یافته و قدس

الاقدا س ربانی که علم افراخته جامع جمیع کمالات و تعالیم سابقه است  
 و از آن گذشته منادی وحدت عالم انسانیست و علم صلح عمومی  
 و روح حیات ابدیه و نور کمالات الهیه و فیض محیط عالم آفرینش  
 و زینت و آرایش آفرینش \* و سبب آسایش عالم بشر است \*  
 بالواح مقدسه مراجعت نمائید اشراقات و تجلیات و کلمات  
 و بشارات و طرازات و کتاب اقدس ملاحظه مینمائید که این تعالیم

الهیه الیوم درمان درد عالم انسانی است و مرهم زخم

جسد امکانی \* روح حیاست و سفینه نجات

و مغناطیس عزت ابدیه \* و قوه نافذه در

حقیقت انسانیه \* و عليك البهاء الأبهی

﴿ ع ع ﴾

مُعَلِّمٌ لِّلْغُلَامِ  
 مِمَّا يَكُونُ لَدَيْكَ

الهی الهی ترانی کیف تهامل وجهی و ابتهج قبی و انشرح  
 صدری لما تلوت اسماء احبائك في كتاب احد من اصفيائك  
 و كلما قرأت اسمًا طبت نفسًا و تضرعت اليك أن تجعله قبسا من  
 نار محبتك و نفسا من صباح الفلاح بفيض رحمانيتك \* رب قد  
 غمست ليل الحرمان على الامكان فأشرق بأنوار شمس الحقیقة  
 على الاكوان حتى يتنفس صبح الايقان بنور العرفان و تشرق